



زبان قرآن
عربی



جامع

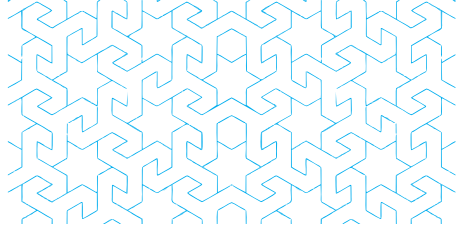
انسانی

دہم

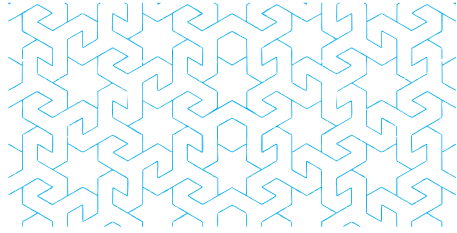


مہدی توابی





UNIVERSITY
OF
MUSCAT
UNIVERSITY



به نام خدایی که مهربان بی همتاست....

وقتی به جهان پیرامون خودمان با دقت نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که سرعت تغییرات پدیده‌های اطرافمان آن قدر زیاد شده که گاهی نمی‌توانیم خودمان را با این تغییر مطابق کنیم و صادقانه، از خیلی از آنها جا می‌مانیم، یکی از این پدیده‌ها «کنکور سراسری» است که علی‌رغم جوانی و تازگی نظام جدید، در درس عربی، کاملاً بلوغ و تکامل در کنکورهای برگزار شده به چشم می‌خورد و به همین دلیل تمام سعی ما این بوده که هر سال این تغییر و تحولات را در کتاب عربی مبتکران لحاظ کنیم، اما در این راه یک مشکل بزرگ وجود داشت و آن هم زیاد شدن تعداد صفحات کتاب بود که برای رفع این مشکل تصمیم گرفتیم کتاب «عربی جامع کنکور» را به صورت سه جلدی، شامل «دهم جامع»، «یازدهم جامع» و «دوازدهم جامع» ارائه دهیم، به نحوی که دانش‌آموز را از خرید کتاب دیگری در درس عربی بی‌نیاز کند.

کتابی که تقدیم شما می‌شود مربوط به پایه دهم انسانی از سری کتاب‌های جامع پایه است و همان طور که از عنوانش مشخص است (جامع)، تمام نیازهای دانش‌آموز دهمی و کنکوری را در درس عربی تأمین می‌کند و شما در یک کتاب، تمام آنچه می‌خواهید، را دریافت می‌کنید.

این کتاب، مطالب زیر را شامل می‌شود:

- تست‌های ترجمه، تعریب، قواعد، واژگان، درک مطلب، ضبط الحركات و تحلیل صرفی (سراسری و تالیفی)
- آموزش کامل قواعد و نکات ترجمه
- ترجمه خط به خط کتاب درسی
- لغت نامه کامل درس به درس
- حل تمرین‌های کتاب درسی
- مترادف و متضاد هر درس
- نمودار خلاصه قواعد و نکات ترجمه
- انواع فعل‌ها و مصدرهای هر درس
- مثال‌نامه‌ها برای بالا بردن تراز آزمون‌ها
- جمع‌های مکسر هر درس

با تهیه این کتاب موارد زیر را به دست می‌آورید:

درس‌نامه: در این قسمت تمام موضوعات قواعدی به طور کامل تدریس شده است.

نکته‌نامه: نکات تستی و تشریحی و موارد فرعی درسنامه، در قالب «نکته‌نامه» آمده است.

اشتباه شونده‌ها: مواردی که معمولاً در قسمت‌های قواعدی با یکدیگر اشتباه گرفته می‌شود.

کارگاه ترجمه: نکات ترجمه‌ای مربوط به هر درس که به صورت قالب ثابت در قسمت آموزش آورده شده و برای آزمون‌های تستی و تشریحی بسیار کاربردی است.

ترجمه خط به خط: تمام متن‌های کتاب درسی به طور کامل، کلمه به کلمه و خط به خط ترجمه شده است.

المعجم: لغت‌نامه‌ی کامل هر درس است که نسبت به لغت‌نامه‌ی کتاب درسی، لغات بیشتری در خود جای داده است.

حل تمرین‌های کتاب: تمام تمرین‌های کتاب درسی به صورت کامل و با توضیحات کافی حل شده است. (لازم به ذکر است بخش زیادی از تست‌ها مربوط به تمرین‌های کتاب است.)

مترادف - متضاد: این بخش برای هر درس به‌طور جداگانه به شناخت ارتباطات معنایی کلمات کمک می‌کند.

جمع مکسر: شناخت جمع‌های مکسر و مفرد آن‌ها در هر درس کمک قابل توجهی به حل تست‌ها می‌نماید. **انواع فعل:** تمام فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی و مصدرهایی که در هر درس از کتاب وجود دارد، به‌طور جداگانه در جدول قرار گرفته است؛ چون اعتقاد داریم مهم‌ترین جزء عربی نظام جدید «فعل» است. **مرور و جمع‌بندی در یک نگاه:** قطعاً دانش‌آموزانی که در آزمون‌های آزمایشی شرکت می‌کنند، به خوبی این مسأله را درک می‌نمایند که داشتن یک خلاصه جامع و کامل و آماده می‌تواند بسیار راهگشا باشد. **مثال‌نامه:** شاید به جرأت یکی از ابتکارها و تفاوت اصلی این کتاب با سایر کتب بازار، مربوط به همین قسمت باشد، ما معتقدیم وقتی در هر درس از کتاب، تمام مثال‌های مربوط به قواعد آن درس را به‌طور کامل و یک‌جا ببینید، قطعاً می‌توانید در آزمون‌ها و حل تست‌ها موفق‌تر باشید، مثال‌نامه را خیلی جدی بگیرید!

پرسش‌های چهارگزینه‌ای: پس از پایان قسمت آموزش در این کتاب، حالا وقت آن است که با شکل تستی سؤالات آشنا شوید که در این قسمت پرسش‌های چهارگزینه‌ای به دسته‌های زیر تقسیم می‌شود: ۱. واژگان (مترادف - متضاد) ۲. ترجمه و تعریف ۳. درک مطلب ۴. قواعد ۵. پرسش‌های کنکور سراسری

پاسخ‌نامه: برای هریک از پرسش‌های چهارگزینه‌ای، پاسخنامه تشریحی در انتهای کتاب قرار دارد و تلاش کرده‌ایم تا جایی که ممکن است در قسمت پاسخنامه به تحلیل تمام گزینه‌ها بپردازیم. در روند تولید کتاب نیز معمولاً فقط نام مولف به چشم می‌آید درحالی‌که این یک فرآیند گروهی است که در آن جمعی دست به دست هم، هدف‌هایشان را یکسان می‌کنند تا کتابی تولید و وارد بازار شود، بنابراین بر خود لازم می‌دانم که از این گروه پر تلاش تشکر و قدردانی نموده و شادی خود را از تولید کتاب با این عزیزانم به اشتراک بگذارم:

سپاسگزاری:

جناب آقای یحیی دهقانی: مدیریت محترم انتشارات مبتکران و یکی از پیشکسوتان آموزش و نشر ایران
جناب آقای مهندس هادی عزیززاده: دبیر محترم مجموعه که تجسم چهره ایشان در ذهن من ترکیب لبخند و صبر است.

تایپ و صفحه‌آرایی: سرکار خانم سمیرا عاشورلو که هنرمندانه در صفحه‌آرایی این کتاب تلاش کردند.
سرکار خانم طوبی عینی‌پور: که زحمت نمونه‌خوانی کتاب را متحمل شدند.
گرافیک و طراح جلد: بهاره خدای

تیم آکادمی عربی، علی‌الخصوص جناب آقای میثم تقی‌نژاد که به صورت پیگیر و مستمر در مراحل تولید و ویرایش کتاب به عنوان همکار مولف و ویراستار علمی تلاش و دلسوزی داشتند.
همسر عزیزم و دو پسر دلبندم: که شاید به هیچ کس به اندازه آنها مدیون نباشم، چون تألیف زمان‌برترین کار زندگی من بوده و این همان زمانی بود که به آنها تعلق داشت.

با وجود وسواس و دقت فراوانی که در ویرایش این کتاب انجام دادم، حتماً ایرادهایی خواهد بود که از چشمان دقیق و نگاه تیزبین شما دور نمی‌ماند، بنابراین از تک‌تک عزیزان، استادان گران‌قدر، مشاوران باسواد و دلسوز و دانش‌آموزان هدفمند خواستارم که بر این حقیر منت نهاده و نظرات و انتقادات ارزشمندشان را از طریق آیدی تلگرام و اینستاگرام زیر اعلام نمایند، که من سخت معتقدم نظرات شما سازنده و گرانبه است.

مهدی ترابی

تلگرام: arabiacademy
اینستاگرام: arabiacademy



شماره صفحه

نام درس

درس اول ۷

درس دوم ۴۳

درس سوم و چهارم ۸۱

درس پنجم ۱۳۷

درس ششم ۱۷۹

درس هفتم ۲۰۵

درس هشتم ۲۳۵

پرسش های کنکور سراسری ۲۶۶



پاسخ نامه تشریحی ۲۷۱

الدرس الاول:

محتوایک نگاه

قواعد این درس شامل مرور تمام مباحث پایه (سال هفتم، هشتم و نهم) می باشد. ارزیابی محتوا: قواعد این درس حجم نسبتاً زیادی را به خود اختصاص می دهد. [این قواعد ممکن است در کنکور سراسری سؤال مستقل نداشته باشد، ولی به عنوان پایه مباحث بعدی، یادگیری آنها ضروری است.]

در عربی دوره اول (هفتم - هشتم - نهم) با قواعدی آشنا شدید که به‌طور پایه‌ای در عربی دوره دوم (دهم - یازدهم - دوازدهم) به آن نیاز داریم.

به‌طور کلی «کلمه» در زبان عربی به سه گروه تقسیم می‌شود:

اسم
فعل
حرف

ابتدا به بررسی «اسم» می‌پردازیم؛ اسم تقسیم‌بندی‌های گوناگونی دارد که ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین این تقسیم‌بندی‌ها، «جنسیت» و «تعداد» است.

اسم از نظر جنس:

مذکر: اسمی که بر جنس «نر» دلالت می‌کند.

مؤنث: اسمی که بر جنس «ماده» دلالت می‌کند.

۱) مذکر ← علامت خاصی (مانند «ة») ندارد و فقط بر جنس (یا شیء^۱) نر تأکید دارد.

نمونه: رَجُل (مرد) / أَب (پدر) / أَسَد (شیر) / كِتَاب (کتاب)

۱) دارای علامت تأنیث: علامت اصلی آن (ة) است که به انتهای کلمه اضافه می‌شود.

نمونه: طَالِبَة (دانش‌آموز (دختر)) / شَجَرَة (درخت)

۲) مؤنث ← بدون علامت تأنیث (قراردادی): بر جنس ماده دلالت می‌کند و علامتی ندارد.

نمونه: أُم (مادر) / اَسْم شَهْرَهَا وَ كِشُورَهَا (ایران) / اَعْضَاؤُ زَوْجِ بَدَنِ (ید = دست)

۱) حرف (ة / ة) ← نمونه: مَكْتَبَة

۲) حرف (اء) که زائد باشد ← نمونه: صَحْرَاء

۳) الف مقصوره (ئ) یا (ا) زائد ← نمونه: كُبْرَى - دُنْيَا

علامت‌های تأنیث (مؤنث بودن) اسم

نکته نامه

۱) کلماتی مانند (دواء، ماء، فتنی و...) علامت مؤنث ندارند؛ زیرا اگر (اء) یا (ئ) را از آخر این اسم‌ها برداریم یک یا دو حرف بیشتر باقی نمی‌ماند؛

یعنی (اء) یا (الف مقصوره) در این اسم‌ها جزء ساختمان اسم است و علامت مؤنث به حساب نمی‌آید، بنابراین آنها را مذکر به حساب می‌آوریم.

۲) برای تشخیص جنسیت در اسم‌های جمع، باید به «مفرد» آن اسم نگاه کنید.

فقراء (جمع) ← فقير (مذکر) مفرد

نمونه: مؤنث

خضراء (مفرد) ← مؤنث

۳) موارد زیر در زبان عربی به‌طور قراردادی مؤنث به حساب می‌آیند:

۱) اسامی شهرها - کشورها - قاره‌ها - قبیله‌ها: طهران - ایران - اوروبا - قریش

۲) اعضای زوج (دو تایی) بدن: ید (دست) / رِجْل (پا) / عَيْن (چشم) / اُذُن (گوش)

۳) اسم‌هایی که بر انسان یا حیوان ماده دلالت کند ولی علامت مؤنث در آخرش نداشته باشد:

أُم (مادر) / أُخْت (خواهر) / مَرِيْم و...

۴) اسم‌هایی که به‌طور «حفظی» به عنوان مؤنث باید یاد بگیرید:

أَرْض (زمین) / شَمْس (خورشید) / سَمَاء (آسمان) / دَار (خانه) / نَار (آتش) / حَرْب (جنگ) / بَيْتَر (چاه) / رِيح (باد) / حَال (حالت)

/ نَفْس (خود) / عَصَا

۱- در تقسیم‌بندی‌های مذکر و مؤنث، مواردی که بر انسان یا حیوان دلالت نمی‌کند را اصطلاحاً «مجازی» می‌گویند. بر این اساس اسمی مانند «شجره» مؤنث مجازی و اسمی

مانند «کتاب» مذکر مجازی است. (البته تقسیم‌بندی حقیقی و مجازی جزء اهداف کنکور نیست).



اشتباه شونده‌ها

اسمی که آخرش (ة / ة) دارد به شرطی مؤنث است که «مفرد» باشد.

شجرة (مفرد) ← مؤنث إخوة (جمع) ← مفرد ← أخ (مذکر)
 طلبة (جمع) ← مفرد ← طالب (مذکر)

درس نامه

اسم از نظر تعداد:

مفرد: اسمی که فقط بر یک نفر یا یک چیز دلالت می‌کند. مانند: کتاب، تلمیذ

مثنی: اسمی که بر دو نفر یا دو چیز دلالت می‌کند و با اضافه شدن (ان - ین) به اسم مفرد ساخته می‌شود.

نمونه: معلمان - معلمین

جمع: اسمی که بر بیش از دو نفر یا دو چیز دلالت می‌کند و دو نوع دارد:

- ۱- جمع مکسر: قاعده و قانون ندارد و شنیدنی و حفظی است. **نمونه:** فقیر ← فقراء / صغیر ← صغار
- ۲- جمع سالم

اسم از نظر تعداد

جمع مؤنث سالم: از آخر اسم مفرد، «ة / ة» حذف و سپس «ات» اضافه می‌شود.

معلمة - ة ← معلم + ات ← معلمات

جمع مذکر سالم: با افزودن (ون - ین) به اسم مفرد مذکر ساخته می‌شود. **نمونه:** (معلمون - معلمین)

جمع سالم

نکته نامه

۱) برخی اسم‌ها در زبان عربی بیش از یک جمع مکسر دارند: مانند:

أخ (إخوان - إخوة) نفس (أنفوس - نفوس) طالب (طلاب - طلبة) عین (أعین - عیون)

اشتباه شونده‌ها

۱) کلمات «أصوات، أوقات، أموات، آیات» با اینکه به «ات» ختم شده‌اند، ولی جمع مؤنث سالم نبوده و جمع مکسر هستند.

أوقات مفرد ← وقت / أصوات مفرد ← صوت / أموات مفرد ← مَیْت - مَیْت / آیات مفرد ← بیت

* «بیت» به معنی «خانه»، جمع مکسرش «بُیوت» است.

۲) اسم‌هایی مانند «عطشان، ایمان، انسان، کتمان و...» نیز «ان» دارند ولی اسم مثنی نیستند. این اسامی «مفرد» هستند.

۳) اسم‌هایی مانند «مساکین، شیاطین، قوانین و...» نیز «ین» دارند ولی جمع مذکر سالم نبوده و جمع مکسر هستند.

نمونه تست:

عَیْن ما لیس فیہ جمع مؤنث سالم للمؤنث:

- ۱) من صفات المؤمنین بشاشة الوجه!
- ۲) دَفَعْتُ لَهُ مِقْدَاراً مِنَ الرِّیَالِ الَّتِی کانت معی!
- ۳) الأرض کُرَّة من الكُرَات فی الفضاء!
- ۴) الَّذِينَ يُقْتَلُونَ فی سبیل الله لیسوا من الأموات!

پاسخ تست: **گزینه ۴**

کلمه «الأموات» جمع مکسر کلمه «مَیْت» یا «مَیْت» است و جمع مؤنث سالم به حساب نمی‌آید.

بررسی بزرگ‌گزینه‌ها:

در سایر گزینه‌ها کلمات «صفات - ریالات - کُرَات» جمع مؤنث سالم هستند که مفرد آنها به ترتیب «صفة - ریال - کُرَة» می‌باشد.

نکته: به جز اسم‌های مفردی که آخرشان «ة - ة» دارد، اسامی غیر عربی مانند «دلار - ریال - بُرتقال و...» نیز با «ات» جمع بسته می‌شوند.

درس نامه

اسم اشاره

اسمی که برای اشاره به اشخاص و اشیاء به کار می‌رود، به صورت زیر تقسیم می‌شود:

جمع	مثنی	مفرد	جنس		اسم اشاره
هؤلاء (اینان)	هذان - هذین (این دو)	هذا - ذا (این)	مذکر	نزدیک	
	هاتان - هاتین (این دو)	هذه (این)	مؤنث		
اولئك (آنان)	ذالك - ذاك (آن)	مذکر	دور	
	تلك (آن)	مؤنث		

نکته نامه

۱) برای اشاره به مکان از الفاظ «هنا: اینجا»، «هناک، هنالك: آنجا» استفاده می‌شود.

۲) اسم بعد از اشاره اگر «أل» نداشته باشد، حتماً نقش «خبر» دارد. هذا کتابٌ.
 مبتدا خبر

۳) اسم اشاره از نظر جنس و تعداد با اسم بعدش مطابقت می‌کند.
 هذا الكتاب / هذه المدرسة / هؤلاء التلاميذ

اشتباه شونده‌ها

۱) اگر اسم بعد از اشاره، «جمع غیر انسان» باشد، اسم اشاره به صورت «مفرد مؤنث» می‌آید. هذه كُتُبٌ.
 مفرد مؤنث جمع غیر انسان

۲) اسم اشاره «هؤلاء» و «اولئك» برای مذکر و مؤنث به طور یکسان به کار می‌رود.

کارگاه ترجمه

۱) اگر اسم بعد از اشاره، «أل دار» باشد، اسم اشاره همواره «مفرد» ترجمه می‌شود:

نمونه: } هذا التلميذ : این دانش آموز
 هؤلاء التلاميذ : این دانش آموزان

۲) اگر اسم بعد از اشاره «بدون أل» باشد، اسم اشاره طبق صیغه خودش ترجمه می‌شود:

نمونه: } هذا تلميذ : این دانش آموزی
 هؤلاء تلاميذ : اینها دانش آموزانی

۳) «هناک» در ابتدای جمله اگر بعدش «اسم» آمده باشد، به معنی «وجود دارد - هست» ترجمه می‌شود.

نمونه: «هناک مَحْفَظَةٌ تَظْفِقُ عَلَي الْمُنْصَدَةِ»: کیف تمیزی بر روی میز وجود دارد.

نمونه تست:

عَيْنِ الصَّحِيحِ فِي التَّرْجُمَةِ: «هؤلاء شاعراتٌ و لهُنَّ أشعار ذات عاطفة نافذة و شعور عميق!»

۱) این‌ها شعری هستند که اشعارشان دارای عاطفه‌ای نافذ و احساساتی عمیق است!

۲) اینان شاعر هستند و اشعاری دارند که عاطفه‌ای نافذ و احساساتی عمیق دارد!

۳) این شاعران را اشعاری است با عاطفه تأثیرگذار و احساس عمیق!

۴) این شعرا اشعاری دارند با عواطف تأثیرگذار و احساسی عمیق!

پاسخ تست: **گزینه ۱**

چون بعد از اسم اشاره، کلمه «شاعرات» بدون «أل» آمده، ترجمه مناسب برای «هؤلاء» به صورت «این‌ها - اینان» صحیح است

(ردگزینه‌های ۳ و ۴) «شاعرات» جمع است (رد گزینه ۲)



معنا	کلمه پرسشی	معنا	کلمه پرسشی
کجا	أَيْنَ	آیا	هَلْ / أ
اهل کجا	مِنْ أَيْنَ	چه کسی	مَنْ
چه مقدار	كَمْ	برای چه کسی	لِمَنْ
چگونه	كَيْفَ	چه چیزی	مَا / ماذا
چه زمانی	مَتَى	چرا	لِمَاذَا / لِمَ
از چه چیزی / از چه کسی	مِمَّ / مِمَّنْ	کدام	أَيَّ

نکته نامه

- از بین کلمات پرسشی، «هل - أ» حرف استفهام و مابقی اسم استفهام هستند.
- در جواب «هل - أ» از «نعم - لا» استفاده می‌کنیم. هل أنت متكاسل؟ لا - أنا نشيط
- در جواب «مَنْ» از نام یا عنوان یا شغل انسان و در جواب «ما» غیرانسان استفاده می‌شود.
- زمان فعل در جمله پرسشی و جمله پاسخ باید یکسان باشد.
- در پاسخ به کلمه پرسشی «لِمَ یا ماذا» از ترکیب «لأنَّ: زیرا - برای اینکه» استفاده می‌کنیم.
نمونه: لِمَ يَذْهَبُ إِلَى السُّوقِ؟ لِأَنَّهُ يَقْصِدُ شِرَاءَ الثَّمَانِشِ.

اشتباه شونده ها

- صیغه فعل در جمله پرسشی با صیغه فعل در جمله پاسخ، لزوماً یکی نیست و گاهی طبق الگوهای زیر با هم تفاوت دارد:
الف) اگر سؤال دوم شخص مفرد (مفرد مخاطب) باشد، جواب اول شخص مفرد (متکلم وحده) می‌آید:
هل تَذْهَبُ إِلَى الشَّارِعِ مُسْرِعاً؟ نَعَمْ، أَذْهَبُ.
مفرد مخاطب متکلم وحده
- اگر سؤال دوم شخص جمع (جمع یا منی مخاطب) باشد، جواب اول شخص جمع (متکلم مع الغیر) است.
هل تَذْهَبُونَ إِلَى الشَّارِعِ مُسْرِعِينَ؟ نَعَمْ، نَذْهَبُ.
جمع مخاطب متکلم مع الغیر

نمونه تست:

أَيُّ جَوَابٍ مِنْ أَدْوَاتِ الِاسْتِفْهَامِ لَا يَنْبَغُ لـ: «قَالَ الْمَعْلَمُ: اسْتِعْمَالُ الْجَوَالِ فِي الصَّفِّ غَيْرُ مَسْمُوحٍ، لِأَنَّهُ يُسَبِّبُ الْمُشَاغَبَةَ.»

۱ من ۲ أين ۳ لِمَ ۴ كيف

پاسخ تست: گزینه ۴

«كيف» به معنی «چگونه» برای پرسیدن سؤال از این عبارت مناسب نیست.
مَنْ ← چه کسی (قال المعلم ← معلم گفت ← چه کسی ← معلم)
أَيْنَ ← کجا (في الصف ← در کلاس ← کجا ← کلاس)
لِمَ (لماذا) ← چرا - برای چه (لأنه يُسَبِّبُ ... ← زیرا آن سبب می‌شود ← چرا ← زیرا ...)

معمولاً کلمات در زبان عربی، دارای ریشه ۳ حرفی (۳ حرف اصلی) می‌باشند و حروف دُبُغری را که علاوه بر این ریشه، در کلمه دیده می‌شوند، حروف اضافه یا زائد آن کلمه می‌گوییم.

برای به دست آوردن وزن کلمات، به جای سه حرف اصلی کلمه، حروف (فـ عـ ل) را جایگزین کنید، آنگاه وزن کلمه به دست می‌آید.

استغفار

↓
استفعال

معلوم

↓
مفعول

درس نامه

انواع فعل

ساخت فعل در عربی ← منظور از صیغه در عربی، همان شخص در زبان فارسی، یعنی همان (من / تو / او / ...) است.

وزن / مثال	صیغه‌های فعل ماضی		وزن / مثال	صیغه‌های فعل ماضی	
فَعَلْنَا / ذَهَبْنَا	اول شخص جمع (ما)		فَعَلْتُ / ذَهَبْتُ	اول شخص مفرد (من)	
فَعَلْتُمْ / ذَهَبْتُمْ	مذکر	دوم شخص جمع (شما)	فَعَلْتَ / ذَهَبْتَ	مذکر	دوم شخص مفرد (تو)
فَعَلْتُنَّ / ذَهَبْتُنَّ	مؤنث		فَعَلْتِ / ذَهَبْتِ	مؤنث	
فَعَلُوا / ذَهَبُوا	مذکر	سوم شخص جمع (آنها)	فَعَلَ / ذَهَبَ	مذکر	سوم شخص مفرد (او)
فَعَلْنَ / ذَهَبْنَ	مؤنث		فَعَلَتْ / ذَهَبَتْ	مؤنث	
فَعَلْنَا / ذَهَبْنَا	سوم شخص مثنی (مؤنث)		فَعَلَا / ذَهَبَا	سوم شخص مثنی (مذکر)	
فَعَلْتُمَا / ذَهَبْتُمَا	دوم شخص مثنی (مؤنث)		فَعَلْتُمَا / ذَهَبْتُمَا	دوم شخص مثنی (مذکر)	
وزن / مثال	صیغه‌های فعل مضارع		وزن / مثال	صیغه‌های فعل مضارع	
نَفَعَلُ / نَذْهَبُ	اول شخص جمع (ما)		أَفْعَلُ / أَذْهَبُ	اول شخص مفرد (من)	
تَفَعَلُونَ / تَذْهَبُونَ	مذکر	دوم شخص جمع (شما)	تَفَعَلُ / تَذْهَبُ	مذکر	دوم شخص مفرد (تو)
تَفَعَلْنَ / تَذْهَبْنَ	مؤنث		تَفَعَلِينَ / تَذْهَبِينَ	مؤنث	
يَفَعَلُونَ / يَذْهَبُونَ	مذکر	سوم شخص جمع (آنها)	يَفَعَلُ / يَذْهَبُ	مذکر	سوم شخص مفرد (او)
يَفَعَلْنَ / يَذْهَبْنَ	مؤنث		تَفَعَلُ / تَذْهَبُ	مؤنث	
تَفَعَلَانِ / تَذْهَبَانِ	سوم شخص مثنی (مؤنث)		يَفَعَلَانِ / يَذْهَبَانِ	سوم شخص مثنی (مذکر)	
تَفَعَلَانِ / تَذْهَبَانِ	دوم شخص مثنی (مؤنث)		تَفَعَلَانِ / تَذْهَبَانِ	دوم شخص مثنی (مذکر)	



۱) فعل‌های مضارع در صیغه‌های «لِغَائِبَةٍ» (هی) و «لِلْمَخَاطَبِ» (أنت) و نیز در ۳ صیغه از مثنی‌ها از نظر ظاهری یکسان هستند. (لِلغَائِبِینِ، لِلْمَخَاطِبِینِ، لِلْمَخَاطَبِینِ)

نمونه:

تَذَهَّبُ	می‌روی (لِلْمَخَاطَبِ)	تذهبانِ	می‌روند (لِلغَائِبِینِ)
	می‌رود (لِلغَائِبَةِ)		می‌روید (لِلْمَخَاطِبِینِ)
			می‌روید (لِلْمَخَاطَبِینِ)

۲) اگر در جمله مورد نظر یکی از نشانه‌های «یا، أیها، أیتها، اللَّهُم، ...» مشاهده کردید معمولاً از فعلی در صیغه مخاطب باید استفاده کنید.

فعل و ساختارهای اولیه آن

نوع فعل	مثبت / منفی	فرمول سافت	مثال + ترجمه
ماضی	مثبت	فعل عادی	هُوَ ذَهَبَ ◀ او رفت
	منفی	ما + فعل	هُوَ مَا ذَهَبَ ◀ او نرفت
مضارع	مثبت	ی / ت / ن / أ + فعل ماضی	أنتُما تَذَهَبانِ ◀ شما می‌روید
	منفی	لا + فعل مضارع	أنت لا تَذَهَبُ ◀ تو نمی‌روی
آینده (مستقل)	مثبت	سَ / سوفَ + فعل مضارع	نحنُ سَنَذَهَبُ ◀ خواهیم رفت
امر (مخاطب)	حذف حرف اول (ت) مضارع مجزوم ^(۱)	إذْهَبْ ◀ برو
نهی	لا + مضارع مجزوم	لا تَذَهَبْ ◀ نرو

روش سافت فعل امر مخاطب ◀ از صیغه‌های مخاطب (دوم شخص مفرد به بعد) ساخته شود.

مراحل تبدیل فعل مضارع به امر	مثال
۱ حرف (ت) را از ابتدای فعل حذف می‌کنیم.	تَذَهَبُ ◀ ذَهَبُ
۲ اگر اولین حرف بعد از حذف (ت) ساکن (سَ) باشد، به جای آن (ا) می‌گذاریم.	ذَهَبُ ◀ اذْهَبُ
۳ علامت (ا) را با توجه به حرف بعد از ساکن تعیین می‌کنیم، اگر (سَ) باشد، از (أ) و اگر (سَ) باشد از (ا) استفاده می‌کنیم.	اذْهَبُ ◀ اذْهَبُ
۴ آخر فعل را مجزوم می‌کنیم.	اذْهَبُ ◀ اذْهَبْ

روش سافت فعل نهی ◀ نهی در واقع دستور به انجام ندادن کاری است. (از تمام صیغه‌های مضارع ساخته می‌شود).

مراحل تبدیل فعل مضارع به امر	مثال
۱ حرف (لا) را در ابتدای فعل اضافه می‌کنیم.	تَذَهَبُ ◀ لا تَذَهَبُ
۲ آخر فعل را مجزوم می‌کنیم.	لا تَذَهَبُ ◀ لا تَذَهَبْ

۱- مجزوم کردن: یعنی حرکت «سَ» به «سَ» تبدیل شود و در صیغه‌های دارای «نون»، «نون» از آخر فعل مضارع حذف شود، به جز دو صیغه جمع مؤنث که تغییرناپذیرند. (یَذَهَبْنَ - تَذَهَبْنَ)

کارگاه ترجمه

۱) اگر «کان» به ابتدای فعل مضارع اضافه شود، این ترکیب معادل «ماضی استمراری فارسی» ترجمه می‌شود.

نمونه: کان یَذْهَبُ: می‌رفت

برای منفی شدن این ترکیب، می‌توانیم به ابتدای «کان» که فعل ماضی است، «ما» اضافه کنیم و یا به ابتدای فعل مضارع، «لا» اضافه کنیم.
ما کان یَذْهَبُ = کان لا یَذْهَبُ: نمی‌رفت

۲) «مثنی و جمع» فعل‌های عربی و «مذکر و مؤنث» آنها در فارسی دقیقاً یکسان ترجمه می‌شود.

نمونه: می‌روند	یَذْهَبَانِ (لِلغائِبِینِ)	می‌رود	یَذْهَبُ (لِلغائِبِ)
	تَذْهَبَانِ (لِلغائِبِیْنِ)		تَذْهَبُ (لِلغائِبِةِ)

۳) فعل امر و نهی، اگر مربوط به صیغه‌های مخاطب باشد به صورت دستور مثبت یا منفی فارسی ترجمه می‌شود.

نمونه: اِذْهَبْ: برو لا تَذْهَبْ: نرو

ولی اگر مربوط به صیغه‌های غایب یا متکلم باشد به صورت مضارع التزامی مثبت یا منفی و به همراه (باید) یا (نباید) ترجمه می‌شود.

نمونه: لِيَذْهَبْ: باید برود لا یَذْهَبْ: نباید برود

اگر به ابتدای فعل مضارع، «سَ - سَوْفَ» اضافه شود به صورت آینده مثبت ترجمه می‌شود.

نکته‌نامه

۱) برای منفی کردن فعل ماضی فقط از «ما» استفاده می‌شود ولی برای فعل مضارع هم می‌توانیم از «ما» و هم می‌توانیم از «لا» استفاده کنیم که البته آخر فعل در هر صورت نباید تغییر کند.

نمونه: ما ذَهَبْتُ: نرفت (لا - ما) یَذْهَبْتُ: نمی‌رود

۲) برای منفی کردن فعل مستقبل (آینده) از حرف «لَنْ» به جای «سَ یا سَوْفَ» استفاده می‌کنیم. [در عربی یازدهم این نکته را کامل خواهیم گفت].
سَوْفَ یَذْهَبُ: خواهد رفت لَنْ یَذْهَبُ: نخواهد رفت.

۳) در ساختن فعل امر مخاطب، در صورتی که بعد از حذف کردن «ت»، اولین حرف دارای حرکت باشد (ساکن نباشد) نباید به ابتدای فعل، همزه اضافه کنیم. تُعَلِّمُونَ ◀ ◀ تَعَلَّمُوا ◀ ◀ عَلِّمُوا

اشتباه شونده‌ها

۱) صیغه‌های جمع مؤنث غایب (یَذْهَبْنَ) و جمع مؤنث مخاطب (تَذْهَبْنَ) در مجزوم کردن دچار تغییر نمی‌شوند، بنابراین وقتی لا در کنار این صیغه‌ها مشاهده کردید، باید حتماً به ترجمه فعل در جمله توجه کنید تا نفی یا نهی بودن فعل را متوجه شوید.

لا نهی	نبايد بروند	لا نهی	نروید
نمونه:	یَذْهَبْنَ	تَذْهَبْنَ	نمی‌روید
لا نفی	نمی‌روند	لا نفی	نمی‌روید

۲) تفاوت لا ناهیه و لا نافیة در این است که:

لا ناهیه	مجزوم می‌کند.	لا نافیة	مجزوم نمی‌کند.
	دستور منفی ترجمه می‌شود.		منفی ساده ترجمه می‌شود.

۳) فعل مضارع در ابتدای خود یکی از حروف «یَ تَ نَ اَ» را دارد و در آخرش نیز همواره «ئَ» یا «نَ» مشاهده می‌شود، بنابراین فعلی مانند «تَعَلَّمْ» یا «تَكَاثَلَ» که در ابتدای خود «تَ» دارد به خاطر اینکه آخرش «ئَ» یا «نَ» ندارد مضارع نبوده و ماضی هستند.

۴) فعل «امر مخاطب» با روشی که در درسنامه گفته شد، ساخته می‌شود و روش ساختن امر از صیغه‌های غایب و متکلم مضارع به شکل دیگری است که نباید به هیچ عنوان روش امر ساختن را جابه‌جا انجام دهید:

لِ + صیغه‌های غایب و متکلم مضارع مجزوم ◀ ◀ امر غایب و متکلم
لِيَذْهَبْ: باید برود



نمونه تست:

عَيْنِ العبارة التي جاء فيها فعل المضارع للنهي:

- ١ لا تُضَيِّع وقتك عند الإمتحانات، أيها التلميذ!
 ٢ لا تذهب الطالبة إلى المدرسة قبل بداية الصّف!
 ٣ هما لا يتبعان من صعوبات الحياة!
 ٤ أيتها الطالبات! لماذا لا تسألن عن هذه الأسئلة الصعبة!

پاسخ تست: **گزینه ١**

همان طور که می دانید در صیغه های «نون دار» فعل مضارع برای ساختن فعل نهی، باید نون حذف شود (به جز صیغه های جمع مونث) بنابراین گزینه «٣» قطعاً فعل نهی ندارد. (به خاطر «لا يتبعان») اما در سایر گزینه ها چون علامت آخر فعل قرار داده نشده باید به کمک ترجمه تشخیص دهید که فعل نهی دارد یا خیر.

گزینه «١»: ای دانش آموز، در هنگام امتحانات وقتت را تلف نکن (نهی)

گزینه «٢»: دانش آموز قبل از شروع کلاس به مدرسه نمی رود (نهی نیست)

گزینه «٤»: ای دانش آموزان، چرا درباره این سؤال های سخت سؤال نمی کنید؟ (نهی نیست)

نمونه تست:

ای جواب غیر مناسب للفراغ: «المؤمنون إلى الفقراء و المساكين.»

- ١ يُحْسِنُونَ
 ٢ أَحْسَنُوا
 ٣ أَحْسَنْتُمْ
 ٤ كانوا يُحْسِنُونَ

پاسخ تست: **گزینه ٢**

با توجه به اینکه در جمله، نشانه ای برای مخاطب بودن وجود ندارد، گزینه «٣» نمی تواند در جای خالی قرار گیرد و جواب تست می باشد. در سایر گزینه ها به ترتیب (مضارع - ماضی - ماضی استمراری) در صیغه غایب داریم که مناسب جای خالی هستند.

ترجمه خط به خط

﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ الْآنعام / ١

(ستایش از آن خدایی است که آسمان ها و زمین را آفرید و تاریکی ها و روشنایی را بنهاد)

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ (او همان خداست).

١. أَنْظُرْ لِيَتْلِكَ الشَّجَرَةَ ذَاتِ الْغُصُونِ النَّضِرَةَ

به آن درخت دارای شاخه های تر و تازه بنگر.

٢. كَيْفَ نَمَتَ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً

چگونه از دانه ای روئیده و چگونه درختی شده است؟

٣. فَأَبْحَثْ وَ قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا النَّمْرَةَ

پس جستجو کن و بگو چه کسی میوه را از آن بیرون می آورد؟

٤. وَ أَنْظُرْ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَدَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً

و به خورشیدی که پاره آتش آن فروزان است بنگر.

٥. فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ

در آن نور هست و به کمک آن گرمای پراکنده هست.

٦. مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

چه کسی آن را در فضا همچون پاره آتش پدید آورد.



۷. ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رَه

آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

۸. ذُو حِكْمَةٍ بِالْعَمَّةِ وَ قُدْرَةٍ مُقْتَدِرَةٍ

دارای (حکمت) دانشی کامل و نیروی توانایی است.

۹. أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ

به شب بنگر؛ پس چه کسی ماهش را در آن پدید آورده است؟

۱۰. وَ زَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالذَّرْرِ الْمُنْتَشِرَةِ

و با ستارگانی مانند مرواریدهای پراکنده آراست؟ (زینت داد)

۱۱. وَ أَنْظُرْ إِلَى الْعِيمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ

و به ابر نگاه کن (بنگر)؛ پس چه کسی باران را از آن فرو فرستاد؟ (نازل کرد)

۱۲. فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْبِرَارِ خَضِرِهِ

و زمین را پس از تیره رنگی (غبار آلودگی) سرسبز گردانید؟

۱۳. وَ أَنْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَ قُلْ مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصَرَهُ

و به انسان بنگر و بگو چه کسی بینایی را در او پدید آورده است؟ (شکافت)

۱۴. مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّزَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرِهِ

چه کسی او را به نیرویی اندیشمند مجهز کرد؟

۱۵. ذَاكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رَه

آن همان خدایی است که نعمت‌هایش ریزان است.

المُعْجَم

إغْبِرَار: تیره رنگی، غبار آلودگی	ذَرَر: مرواریدها (مفرد: ذَرَّة)	غُصُون: شاخه‌ها (مفرد: غُصْن)
أَنْجُم: ستارگان «مفرد: نَجْم، نَجْمَةٌ»	ذَا: این ← هَذَا	عَبِم: ابر
أَنْزَلَ: نازل کرد	ذات: دارای	قُل: بگو
أَنْعَم: نعمت‌ها «مفرد: نِعْمَةٌ»	ذَاكَ: آن	مُسْتَعْرَةٌ: فروزان
أَوْجَدَ: پدید آورد	ذو: دارای	مُفْتَكِرَةٌ: اندیشمند
بَالِغ: کامل	زَانَ: زینت داد	مُنْهَمِرَةٌ: ریزان
جَذَوَةٌ: پاره آتش	شَرَرَةٌ: اخگر (پاره آتش)	نَضِرَةٌ: تر و تازه
جَهَّزَ: مجهز کرد	شَقَّ: شکافت	نَمَتْ: رشد کرد «مُوْتَتْ نَمَا»
خَضِرَةٌ: سرسبز	صَيَّرَ: گردانید	يُخْرِجُ: در می آورد.
تَعَارَفَ: آشنایی با یکدیگر	ضِيَاء: روشنایی	قَاعَةٌ: سالن
مَطَار: فرودگاه	مَعَ الْأَسْفِ: متأسفانه	أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم
صَع: بگذارد	يَدْوُرُ: می چرخد	مُسْتَعِينًا بِ: با استفاده از

التعارف / آشنایی با یکدیگر

أَمَدُ الْمُؤَلَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ یکی از کارمندان در سالن فرودگاه	زائر مَرَقَدِ أمير المؤمنين عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ زائر مرقد امیر مومنان علی (ع)
و عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ. سلام و رحمت خداوند و برکاتش بر شما	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ. سلام عليكم.
صَبَاحَ النَّورِ وَ الشَّرْوَرِ. صبح به روشنایی و شادی.	صَبَاحَ الْخَيْرِ يَا أَخِي. صبح به خیر برادرم.
أَنَا بِخَيْرٍ، وَ كَيْفَ أَنْتَ؟ من خوبم، و تو چطوری؟	كَيْفَ حَالُكَ: حالت چطوره؟
عَفْوًا، مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ ببخشید، اهل کجایی؟	بِخَيْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ. خوبم، خدا را شکر.
مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم شریفت چیه؟	أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِيَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ الْإِيرَانِيَّةِ. من از جمهوری اسلامی ایرانم.
إِسْمِي عَبْدُ الرَّحْمَنِ. اسم من عبد الرحمنه.	إِسْمِي حُسَيْنٌ وَ مَا اسْمُكَ الْكَرِيمُ؟ اسم من حسین است و اسم شریف شما چیست؟
لَا، مَعَ الْأَسْفِ. لَكِنِّي أَحِبُّ أَنْ أُسَافِرَ. نه، متأسفانه. ولی من دوست دارم که سفر کنم.	هَلْ سَافَرْتَ إِلَى إِيرَانَ حَتَّى الْآنَ؟ آیا تا کنون به ایران مسافرت کردی؟
إِنْ شَاءَ اللَّهُ؛ إِلَى اللَّقَاءِ مَعَ السَّلَامَةِ. اگه خدا بخواد؛ به امید دیدار؛ به سلامت.	إِنْ شَاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلَى إِيرَانَ! اگه خدا بخواد به ایران سفر می کنی؟
فِي أَمَانِ اللَّهِ وَ حِفْظِهِ، يَا حَبِيبِي. در امان خدا و حفظ او، ای دوست من.	فِي أَمَانِ اللَّهِ. در امان خدا.

تمرین ۱

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: كَمَّلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَ الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ. (ترجمه آیات و احادیث زیر را کامل کن.)

۱. ﴿وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ﴾ الشُّرَاء: ۸۴

ترجمه: و برای من یاد نیکو در

✎ (میان دیگران قرار بده.)

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الصُّف: ۲

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید،

✎ (چرا می گویند آنچه را که انجام نمی دهید.)



۳. ﴿وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ المؤمنون: ۵۱

ترجمه: و کار نیکو

✎ (کنید براستی که من به آنچه انجام می دهید، آگاهم.)

۴. ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الأعراف: ۴۷

ترجمه: پروردگارا،

✎ (ما را با گروه ستمکاران قرار مده)

۵. ﴿لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَ صَوْمِهِمْ وَ كَثْرَةِ الْحَجِّ ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى صِدْقِ الْحَدِيثِ وَ أَدَاءِ الْأَمَانَةِ﴾ رسول الله ﷺ

ترجمه: به بسیاری نمازشان و و بسیاری حج گزاردن بلکه به و امانتداری آنها

✎ روزه‌شان - منگرید - راستی گفتار - بنگرید

۶. ﴿إِرْحَمَنَّ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكُ مَنْ فِي السَّمَاءِ﴾ رسول الله ﷺ

ترجمه: به کسی که در زمین است،

✎ (رحم کن تا آن که در آسمان است، به تو رحم کند.)

۷. ﴿أَطْلُبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالضَّيْنِ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ﴾ رسول الله ﷺ

ترجمه: دانش را طلب کنید گرچه ، زیرا طلب دانش

✎ (در چین باشد - واجب است.)

تمرین ۲

اَلتَّمَرِينُ الثَّانِي: اِقْرَأِ الْاَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجُمَتَهَا الصَّحِيحَةَ. (احادیث زیر را بخوان سپس ترجمه صحیح آنها را مشخص کن.)

۱. ﴿اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَ اعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا﴾ رسول الله ﷺ

برای (دنیايت □ - دنيا □) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی □ - لذت می بری □)

و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می میری □ - نزدیک است بمیری □).

✎ دنیايت - زندگی می کنی - فردا می میری

۲. ﴿انظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ﴾ أمير المؤمنين علي عليه السلام

به آنچه گفته است (بنگر □ - می نگرم □) و به آن که گفته است (ننگر □ - نمی نگرم □).

✎ بنگر - ننگر

۳. ﴿إِذَا مَلَكَ الْأَرَادِلُ هَلَكَ الْأَفْضَلُ﴾ أمير المؤمنين علي عليه السلام

هرگاه فرومایگان (به فرمانروایی برسند □ - گرامی شوند □)؛ شایستگان هلاک می شوند.

✎ به فرمانروایی برسند

۴. ﴿مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ﴾ أمير المؤمنين علي عليه السلام

هرکس (دشمنی □ - دوستی □) کاشت؛ (زیان □ - سود □) درو کرد.

✎ دشمنی - زیان

۵. ﴿الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ﴾ أمير المؤمنين علي عليه السلام

سخن مانند داروست. اندکش (سود می رساند □ - شفا می دهد □) و بسیارش کُشنده است.

✎ سود می رساند



۶. «إِذَا قَدَرْتَ عَلَىٰ عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ.» أمير المؤمنين علي عليه السلام

هرگاه بر دشمن (قادر شدی) - دشمن را شکست دادی (□)، پس بخشیدن او را شکرانه قدرت یافتن بر او (قرار می دهی □) - قرار بده (□).

قادر شدی - قرار بده

۷. «قَوْلٌ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ.» أمير المؤمنين علي عليه السلام

گفتن (می دانم □) - نمی دانم (□)، نیمی از دانش است.

نمی دانم

تمرین ۳

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعِدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ» (در دایره شماره مناسب را بگذار. یک کلمه اضافی است)

- | | |
|--------------------------|---|
| ۱. الشَّرْرَةُ (اخگر) | ۷. مِنَ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ. |
| ۲. الشَّمْسُ (خورشید) | ۲. جَدْوْتُهَا مُسْتَعْرَةٌ، فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ. |
| ۳. الْقَمَرُ (ماه) | ۳. كَوْكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ. |
| ۴. الْأَنْعَمُ (نعمت ها) | ۵. بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ. |
| ۵. الْغَيْمُ (ابر) | ۶. مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ. |
| ۶. الْقُسْتَانُ (پیراهن) | ۱. قِطْعَةٌ مِنَ النَّارِ. |
| ۷. الدَّرَرُ (مرواریدها) | |
- (از سنگ های زیبای گران قیمت دارای رنگ سفید هستند.)
 (آتشش فروزان است، در آن روشنایی است و به وسیله آن گرما پراکنده می شود.)
 (ستاره ای است که به دور زمین می چرخد، روشنایی اش از خورشید است.)
 (بخاری فشرده (جمع شده) در آسمان است که باران از آن می بارد.)
 (از لباس های زنانه دارای رنگ های مختلف است.)
 (پاره ای از آتش است.)

تمرین ۴

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعْ هَذِهِ الْجُمْلَ وَالتَّرَاكِبَ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (این جملات و ترکیب ها را در جای مناسبشان قرار بده.)

هُؤْلَاءِ فَايْزَاتٌ / هَذَا الدَّلِيلَانِ / تِلْكَ بَطَّارِيَةٌ / أَوْلَيْكَ الصَّالِحُونَ / هُؤْلَاءِ الْأَعْدَاءُ / هَاتَانِ الرَّجَايَتَانِ

مفرد مؤنث	مثلی مذکر	مثلی مؤنث
تِلْكَ بَطَّارِيَةٌ (آن باتری)	هَذَا الدَّلِيلَانِ (این دو راهنما)	هَاتَانِ الرَّجَايَتَانِ (این دو شیشه)
جمع مذکر سالم	جمع مؤنث سالم	جمع مکسر
أَوْلَيْكَ الصَّالِحُونَ (آن نیکوکاران)	هُؤْلَاءِ فَايْزَاتٌ (اینها برنده اند)	هُؤْلَاءِ الْأَعْدَاءُ



تمرین ۵

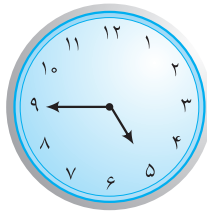
اَلتَّمَرِیْنُ الْخَامِسُ: ضَعِ الْمْتَرَادِفَاتِ وَ الْمْتَضَادَاتِ فِی مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ. (= ≠) (مترادفها و متضادها را در جای مناسبشان قرار بده).

ضیاء / نام / ناجح / مسرور / قریب / جمیل / نهایة / یمین / غالیة / شراء / مسموح / مُجِدَّ

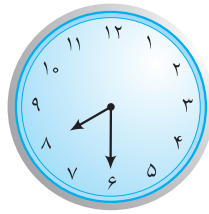
رَخِیصَة ≠ غَالِیَة	رَاسِب ≠ نَاجِح	یَسَار ≠ یَمِین
ارزان ≠ گرانبها، ارزشمند	مردود ≠ قبول	چپ ≠ راست
بَیْع ≠ شِراء	بَدَايَة ≠ نَهایَة	بَعِيد ≠ قَرِیب
فروش ≠ خرید	أَغاز ≠ پَایان	دور ≠ نزدیک
رَقَدَ = نام	قَبیح ≠ جَمیل	نور = ضیاء
خوابید، بستری شد	زشت ≠ زیبا	نور، روشنایی
حَزین ≠ مَسرور	مُجْتَهِد = مُجِدَّ	مَمْنوع ≠ مَسْموح
اندوهگین ≠ شاد	کوشا، تلاشگر	منع شده ≠ مجاز، اجازه داده شده

تمرین ۶

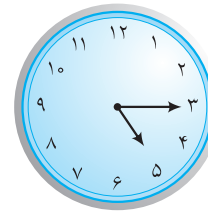
اَلتَّمَرِیْنُ السَّادِسُ: اُرْسِمِ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ. (عقربه‌های ساعت را رسم کن.)



السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا



الْثَامِنَةُ وَ النُّصْفُ



الْخَامِسَةُ وَ الرُّبْعُ

مترادفها (=)

أَنْظَرُ = شَاهِد	ذات = ذو	نَمَتَ = بَلَغَت	صَارَت = أَصْبَحَت	عَیْم = سَحَاب
قَاعَة = صَالَة	ضیاء = نور	شَاءَ = أَرَادَ	كَلَام = قَوْل	كَوْكَب = نَجْم
رَقَدَ = نَامَ	نور = ضیاء	مُجْتَهِد = مُجِدَّ		

متضادها (≠)

بَالِغ ≠ كَامِل	مَمْنوع ≠ مَسْموح	لَیْل ≠ نَهَار	بَعْد ≠ قَبْل	كَثِرَة ≠ قَلَة
صِدْق ≠ كِذْب	دُنْیَا ≠ آخِرَة	أَرَادِل ≠ أَفْضَل	مَلَك ≠ هَلَك	زُرْع ≠ حَصَد
عُدْوَان ≠ صَدَاقَة	قَلِیل ≠ كَثِیر	یَنْفَعُ ≠ یَضُرُّ	جَمیل ≠ قَبیح	غَالِیَة ≠ رَخِیصَة
أَبْیَضُ ≠ أَسْوَد	نِسَائِیَة ≠ رِجَالِیَة	رَاسِب ≠ نَاجِح	یَمِین ≠ یَسَار	بَیْع ≠ شِراء
بَدَايَة ≠ نَهایَة	حَزین ≠ مَسرور			

